

تبیین مؤلفه‌های ژئومورفولوژیکی در استقرار رژیم حقوقی دریای خزر

محمدرضا حافظ‌نیا- استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس
زهرا احمدی‌پور- استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس
سپنتا مجتهدزاده- استادیار حقوق بین‌الملل، دانشگاه مازندران
حسن پیردشتی* - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

تأیید نهایی: ۱۳۹۴/۰۶/۰۴

پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱۷

چکیده

دریای خزر یک دریای بسته است و طبق کنوانسیون حقوق دریاها تعیین رژیم حقوقی آن باید با توافق کشورهای ساحلی صورت گیرد و کشورهای دیگر حق دخالت در مسائل مربوط به آن را ندارند. یکی از مهم‌ترین مشکلات این دریاها، تعیین رژیم حقوقی آن‌هاست. تعیین رژیم حقوقی این پهنه آبی پس از فروپاشی شوروی مطرح شد، اما هنوز پس از گذشت چندین سال از این موضوع، بین کشورهای ساحلی در مورد چگونگی استقرار رژیم حقوقی آن توافقی صورت نگرفته است. این مسئله دلایل زیادی دارد؛ برای مثال می‌توان به نقش عوامل ژئومورفولوژیکی در تعیین رژیم حقوقی این دریا اشاره کرد. در پژوهش حاضر، شرایط ژئومورفولوژیکی به‌عنوان یکی از عوامل جغرافیایی تأثیرگذار بر استقرار رژیم حقوقی دریای خزر بررسی می‌شود و همچنین از منظر جغرافیای سیاسی دریاها، نقش عوامل ژئومورفولوژیکی در استقرار رژیم حقوقی دریای خزر جست‌وجو می‌شود. روش این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و براساس مطالعات کتابخانه‌ای است. این پژوهش به دنبال پاسخ به پرسش اصلی تحقیق است اینکه آیا مؤلفه‌های ژئومورفولوژیکی بر استقرار رژیم حقوقی در خزر و افراز مرزهای دریایی مؤثرند. این مؤلفه‌ها شامل صخره‌ها، برآمدگی‌های جزری، شکل ساحل، خورها و خلیج‌ها، جزایر، فلات قاره و دهانه رودها هستند که مطابق با کنوانسیون ۱۹۸۲ و همچنین با توجه به شرایط جغرافیایی دریای خزر ارزیابی شدند. براساس نتایج، کشورهای قزاقستان، روسیه، ترکمنستان و آذربایجان به ترتیب بهترین شرایط ژئومورفولوژیکی را برای تعیین رژیم حقوقی دارند. در این میان، ایران نامطلوب‌ترین موقعیت را دارد و نیازمند اتخاذ سیاست‌های بهینه در راستای بهبود شرایط موجود است.

واژه‌های کلیدی: دریای خزر، رژیم حقوقی، شرایط ژئومورفولوژیکی، عوامل جغرافیایی، کنوانسیون ۱۹۸۲.

مقدمه

رژیم حقوقی دریاچه‌های بین‌المللی با دریاهای محصور در خشکی متفاوت است و تقریباً با مفهوم حاکمیت کشورهای ساحلی ارتباط دارد (وینگرادوف و واترس، ۱۳۷۴: ۶۱۳). طبق کنوانسیون سوم حقوق دریاها، دریای بسته یا محصور به دریای کوچک داخلی اطلاق می‌شود که از سوی دو یا چند کشور احاطه می‌شود و با آبراه کوچکی به آب‌های آزاد راه می‌یابد. براساس توصیه‌های مندرج در ماده ۱۲۳ حقوق دریاها که در مورد دریاهای بسته نیز قابل‌تعمیم است، تمام حقوق و تکالیف این دریاها به عهده دولت‌های ساحلی است و مشارکت سازمان‌های بین‌المللی یا سایر دولت‌ها فقط به‌منظور پیشبرد اجرای مقررات این ماده امکان‌پذیر است (پیشگاهی‌فر، ۱۳۸۴: ۸۴). دریای خزر به‌عنوان یک دریای بین‌المللی وضعیتی منحصربه‌فرد دارد و از نظر اهمیت سیاسی-امنیتی، ظرفیت اقتصادی، شرایط تاریخی و اکوسیستم طبیعی واحد با سایر دریاچه‌های مشترک بین دو یا چند کشور مشابهتی ندارد؛ بنابراین، برخورد با مسائل و مباحث حقوقی آن تمهیدات ویژه‌ای را طلب می‌کند (احمدی‌پور، ۱۳۷۵: ۴۳؛ مجتهدزاده و حافظ‌نیا، ۱۳۸۲: ۲۳). البته بعضی استدلال می‌کنند براساس معنای کنوانسیون، دریای خزر یک دریای بسته و نیمه‌بسته نیست، زیرا به‌نظر آن‌ها این دریا مجرایی به دریای دیگر یا اقیانوس ندارد. برای کشورهای حاشیه دریای خزر امکان ندارد که به‌طور کامل حقوق اعطاشده را بر مبنای کنوانسیون اعمال کنند و این امر به‌علت تداخل با حقوق دیگر کشورهای ساحلی است (کریستوفر، ۱۳۷۸: ۱۳۰؛ زیمینسکی، ۱۳۹۰: ۳۴). مشکل اصلی مربوط به وضع حقوقی منطقه، از تعریف جغرافیایی دریای خزر نشئت می‌گیرد، زیرا دریای خزر یک دریای داخلی یا دریاچه است و به این لحاظ مقررات حقوق بین‌الملل ناظر به رژیم‌های حقوقی دریایی شامل آن نمی‌شود؛ بنابراین، کشورهای ساحلی باید با همکاری و مساعدت رژیم حقوقی آن را تعیین کنند. برای رسیدن به توافق، علاوه بر مبنای حقوق دریاها و روابط دیپلماتیک، عوامل جغرافیایی مانند مؤلفه‌های ژئومورفولوژیکی، هیدرواقلمی، بیوجغرافیایی، جغرافیای اقتصادی، اجتماعات انسانی و ژئوپلیتیکی نقش مهمی دارد. از میان عوامل مزبور، شرایط ژئومورفولوژیکی مهم‌ترین نقش را در تعیین رژیم حقوقی ایفا می‌کند. کاربرد بیشتر عوامل ژئومورفولوژیکی نسبت به سایر عوامل جغرافیایی در کنوانسیون‌های دریایی شاهد این مدعاست. عوامل مذکور در دریای خزر مانند شکل ساحل، طول ساحل، شکل خلیج‌ها و جزایر موجود در تعیین مرز دریایی و همچنین سهم بیشتر هریک از کشورهای ساحلی در دستیابی به مناطق دریایی تأثیر بسزایی دارد؛ بنابراین، تحقیق حاضر به‌دنبال تبیین نقش عوامل ژئومورفولوژیکی در استقرار رژیم حقوقی دریای خزر است.

بیشتر تحقیقات صورت‌گرفته در مورد رژیم حقوقی دریای خزر به‌صورت تک‌بعدی و توصیفی بوده است، در صورتی که تحقیق حاضر به‌دلیل ماهیت جغرافیایی آن که نگرش سیستماتیک دارد، همه جنبه‌های جغرافیایی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی و امنیتی موجود را در ارتباط با هم در نظر می‌گیرد و آن را به‌صورت عملی و کاربردی ارائه می‌دهد. هدف اصلی این پژوهش تبیین نقش عوامل ژئومورفولوژیکی خزر و شاخص‌سازی مؤلفه‌های آن در استقرار یافتن یا استقرار نیافتن رژیم حقوقی آن است تا در نهایت با ارائه راهکارهایی که فصل مشترک دیدگاه‌های کشورهای اطراف خزر باشد، مشکل استقرار رژیم حقوقی در خزر را برطرف کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و براساس مطالعات کتابخانه‌ای انجام گرفته است. به‌این‌منظور، علاوه بر مطالعه کتاب‌ها و مقالات و جست‌وجوهای اینترنتی از نقشه‌ها، عکس‌های هوایی، تصاویر ماهواره‌ای نیز استفاده شد. در نهایت، با مراجعه به کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲)، مواد منبعث از مؤلفه‌های ژئومورفولوژیکی از آن استخراج شد و با موارد مشابه در دریای خزر مطابقت داده شد و کشورهای ساحلی براساس داشتن یا نداشتن عوامل ژئومورفولوژیکی بررسی شد تا در صورت استناد به مقاله‌نامه مذکور در فرایند تعیین رژیم حقوقی، قوت‌ها و ضعف‌های استفاده از عوامل ژئومورفولوژیکی برای هریک از کشورهای مذکور مشخص شود.

مبانی نظری

یکی از مشکلات عمده در تعیین رژیم حقوقی خزر، نبود قوانین حقوقی بین‌المللی درمورد تحدید دریاهای بسته‌ای نظیر آن است. مواد مندرج در کنوانسیون حقوق دریاهای (۱۹۸۲) نه‌تنها درمورد چگونگی تعیین رژیم حقوقی دریای خزر کافی نیست، بلکه ابهاماتی دارد که موجب سردرگمی و تفسیر به رأی هریک از کشورهای ساحلی آن می‌شود.

وضعیت دریای خزر به‌عنوان یک دریا یا دریاچه بر روش تعیین رژیم حقوقی کشورهای ساحلی براساس حقوق بین‌الملل تأثیر گذاشت (رمضانوف، ۱۳۹۱: ۲۹۱). کنوانسیون‌های عمده حقوق دریاهای (۱۹۵۸ و ۱۹۸۲) که معتبرترین اسناد درباره حقوق دریاهای مطرح کرده‌اند، در زمینه دریای خزر مطالب زیادی ندارند. در فصل ۹ و در ماده ۱۲۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ تعریفی از دریای بسته و نیمه‌بسته ارائه شده است (احمدی‌پور، ۱۳۷۵: ۴۴). طبق ماده ۱۲۲ کنوانسیون حقوق دریاهای، اگر دریایی میان چند کشور محاط باشد، در صورتی مشمول ضوابط کنوانسیون حقوق دریاهای می‌شود که یک آبراه طبیعی - حتی یک رودخانه - به دریای آزاد یا اقیانوس داشته باشد. یکی از موارد اختلاف درمورد دریاچه خزر همین آبراه است. هرچند چنین آبراه‌ی وجود دارد، گروهی معتقدند اتصال دریاچه خزر از طریق کانال‌های رودخانه ولگا به آب‌های آزاد مجرای طبیعی به شمار نمی‌رود، بلکه ساخته دست روس‌هاست (جینز، ۱۳۸۴: ۷۶)؛ بنابراین، خزر به‌عنوان یک دریای بسته در نظر گرفته می‌شود و مشمول مواد کنوانسیون حقوق دریاهای نمی‌شود و باید با اجماع کشورهای اطراف، رژیم حقوقی آن تعیین شود.

از یک‌سو، کشورهای ساحلی برای رسیدن به اجماع به‌منظور تعیین رژیم حقوقی چاره‌ای جز مراجعه به برخی مواد کنوانسیون دریاهای ندارند. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین‌الملل دریاهای، در واقع فرموله کردن قواعد حقوقی عوارض جغرافیایی در محیط‌های دریایی است. از سوی دیگر، در بین عوامل جغرافیایی، مؤلفه ژئومورفولوژیکی بیشترین کاربرد را در تدوین مواد مقاله‌نامه مذکور داشته است. البته عوامل ژئومورفولوژیکی بیشتر به‌شکل ساختاری در کنوانسیون عمل می‌کنند و مبنای عمل را مشخص می‌کنند. به‌علاوه، در دریای خزر در صورت اعمال کنوانسیون یا هرگونه توافقی نقش این عوامل بسیار زیاد است، زیرا کشورهای ساحلی دریای خزر از نظر دسترسی به این پدیده‌ها بسیار متفاوت‌اند. عوامل ژئومورفولوژیکی مانند شکل ساحل، طول ساحل، شکل خلیج‌ها، جزایر، برآمدگی‌های جزری، دهانه رودها و لنگرگاه‌های طبیعی در تعیین خط مبدأ مستقیم و گسترش مناطق دریایی کشورهای ساحلی تأثیر بسزایی دارد. همچنین، شکل بستر، شیب بستر و نوع رسوبات در توزیع و پراکندگی منابع دریایی و بهره‌برداری از آن‌ها مؤثر است و موجب افزایش قدرت چانه‌زنی کشورها و عدم توافقات اولیه بین آن‌ها در تعیین رژیم حقوقی می‌شود. همچنین، دریای خزر به‌دلیل داشتن منابع زیاد (فسیلی و غیرفسیلی)، به‌ویژه در فلات قاره مورد توجه کشورهای ساحلی بوده است و این امر موجب سهم‌خواهی بیشتر کشورهای ساحلی و اختلافات و مناقشات بین آن‌ها برای تعیین مرزهای دریایی می‌شود. این موضوع روند استقرار رژیم حقوقی را دچار چالش می‌کند؛ بنابراین، با شناخت عوامل ژئومورفولوژیکی می‌توان ضعف‌ها و قوت‌های هریک از کشورها را با توجه به عوامل مذکور بیان کرد و راهبرد مناسبی را برای تسریع در روند استقرار رژیم حقوقی دریای خزر برای هریک از کشورهای ساحلی تعیین کرد تا در نهایت رژیم حقوقی پایدار در خزر استقرار یابد.

محیط‌شناسی خزر

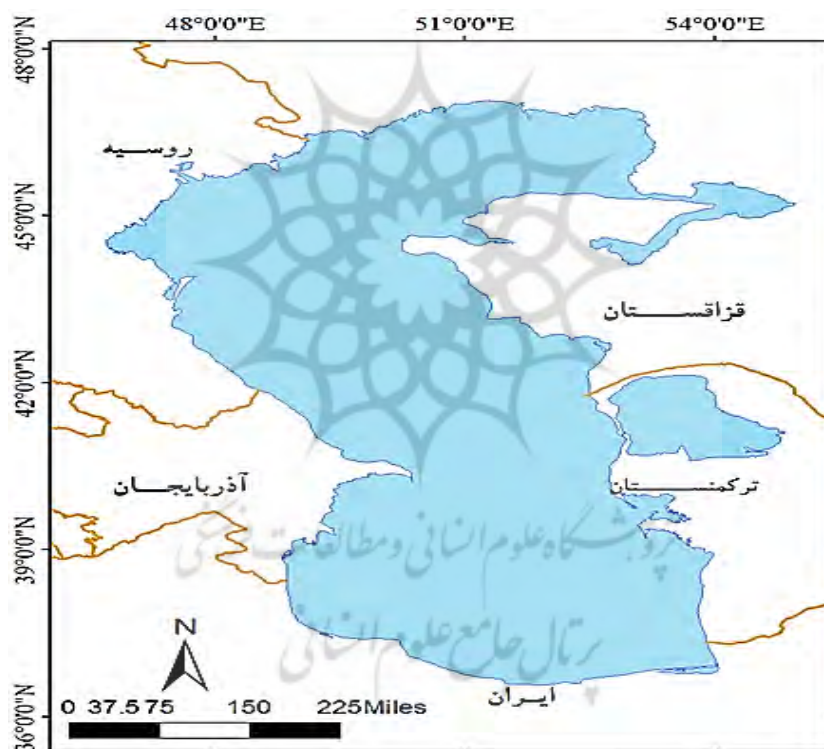
۱. موقعیت جغرافیایی

خزر در نقشه‌های جهان به کاسپین^۱ معروف است (نقشه ۱). این پهناهی بزرگ‌ترین دریاچه جهان و سومین منبع ذخایر

نفت و گاز دنیاست که از شمال به روسیه، از جنوب به ایران، از غرب به آذربایجان و از شرق به ترکمنستان و قزاقستان محدود می‌شود. شیب این دریا به سمت ایران (از شمال به جنوب) است (<http://lawstudy.ir>; شمسی، ۱۳۸۶: ۱۳). جدول ۱ سهم کشورهای ساحلی دریای خزر را از نظر گستردگی نوار ساحلی نشان می‌دهد.

جدول ۱. سهم کشورها از گستردگی نوار ساحلی دریای خزر

مشخصه	اندازه (کیلومتر)
طول دریای خزر	۱۲۰۴
پهنای دریای خزر	۲۲۰ تا ۵۵۰
محیط دریای خزر	۶۵۰۰
طول سواحل ایران	۶۵۷
طول سواحل آذربایجان	۸۲۰
طول سواحل روسیه	۱۴۷۶
طول سواحل ترکمنستان	۱۶۴۷
طول سواحل قزاقستان	۱۹۰۰



نقشه ۱. منطقه دریای خزر

منبع: <https://www.google.com/maps/search/> و سیستم جی آی اس

۲. جغرافیای انسانی

در منطقه خزر، پنج کشور ساحلی با جمعیت، اقوام، نژاد و ادیان متفاوت وجود دارند که تفاوت‌های ساختاری دارند. دیدگاه‌های متفاوت مردم کشورها بیشتر تحت‌الشعاع مرزهای جغرافیایی است که سال‌ها پیش آن‌ها را از هم جدا کرده است. امروز دریای خزر ممکن است موجب پیوند بین آن‌ها شود. ملت‌های منطقه نسبت به دریای خزر علقه‌های خاصی دارند. مردم روسیه و ایران خود را صاحبان اصلی و سنتی دریای خزر می‌دانند و معتقدند تقسیم آن موجب سرخوردگی ملی می‌شود. ملت قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان به آن وابستگی عاطفی و احساسات شدید ملی‌گرایانه دارند.

درحالی‌که کشورهای ساحلی حدود ۲۳۷,۴۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت دارند، فقط ۱۴,۷۰۰,۰۰۰ نفر از جمعیت آن‌ها در مناطق ساحلی دریای خزر زندگی می‌کنند. نسبت توزیع جمعیت ساحلی در کشورهای مختلف حوزه خزر در جدول (۲) مشاهده می‌شود.

۳. جغرافیای طبیعی

دریای خزر از نظر جغرافیای طبیعی و مشخصه‌های ناهمواری کف به سه بخش شمالی، میانی و جنوبی تقسیم می‌شود. مرز قراردادی بین بخش‌های شمالی و میانی، خط اتصال جزیره چچن و دماغه «تیوب کاراگان»، بین بخش میانی و جنوبی خط اتصال جزیره «ژیلوی» و «دماغه کوولی» است. بخش شمالی دریا کم‌عمق است، بخش میانی دریا شامل گودال مجزایی است که عمیق‌ترین مکان آن یعنی فرورفتگی دربند به سواحل غربی بسیار نزدیک‌تر است. بخش جنوبی دریا از طریق برآمدگی آبشرون از بخش میانی جدا شده است. این برآمدگی ادامه شاخه رشته‌کوه قفقاز است (کاسارف، ۱۳۹۰: ۱۶). جدول ۳ مشخصات کلی بخش‌های مختلف دریای خزر را نشان می‌دهد.

جدول ۲. آمار جمعیت کشورهای ساحلی خزر به تفکیک جمعیت ساحلی

نام کشور	جمعیت (۲۰۱۴)	رتبه جهانی	جمعیت ساحل خزر (میلیون نفر)	نسبت جمعیت ساحلی به جمعیت کشور
روسیه	۱۴۲,۴۶۷,۶۵۱	۹	۳/۵	۲/۴۶
ایران	۷۸,۴۷۰,۲۲۲	۱۷	۶/۳	۸/۰۲
قزاقستان	۱۶,۶۰۶,۸۷۸	۶۴	۰/۸	۴/۸۱
آذربایجان	۹۹,۷۵۱,۴۸۸	۹۰	۴/۱	۴۳/۰۹
ترکمنستان	۵,۳۰۷,۱۷۱	۱۱۶	۰/۴	۷/۵۴

منبع: www.worldometers.info

جدول ۳. مشخصات کلی بخش‌های مختلف دریای خزر

بخش	عمق متوسط (متر)	حداکثر عمق (متر)	مساحت هر بخش (به درصد)	حجم آب هر بخش (به درصد)
شمالی	۶/۲	۸۰	۲۷/۷۳	۰/۱
میانی	۱۷۵/۶	۸۵۰	۳۶/۶۳	۳۶/۲۳
جنوبی	۳۲۵	۱۰۲۵	۳۵/۶	۶۳/۶۷

منبع: <http://guilan-e-ma.ir>

جهت غالب امواج در خزر شمالی همسان با باد، شرقی و جنوب شرقی است. ارتفاع امواج در راستای جنوب به شمال برحسب کم‌شدن عمق، کاهش می‌یابد. در مناطق ساحلی خزر میانی و جنوبی برحسب جهت باد می‌توان جریان‌هایی با جهت شمال غربی، شمالی، جنوب شرقی و جنوبی را مشاهده کرد. در ساحل شرقی جهت جریان اغلب شرقی است. در طول ساحل غربی خزر میانی جریان‌ها با جهت جنوب شرقی و جنوبی، پایداری بیشتری دارند. در خزر، دمای آب تغییرات زیادی دارد. در زمستان دمای آب در کناره یخبندان در شمال ۰-۵/۰- درجه و در جنوب دریا ۱۱-۱۰- درجه است و به عبارتی اختلاف دمای آب در این زمان به ۱۰ درجه می‌رسد. شوری آب به‌ویژه در خزر شمالی تغییرات زیادی دارد و از ۰/۱ در هزار در دهانه رودخانه ولگا و اورال ۱۰ تا ۱۱ در هزار در مرز با خزر میانی متفاوت است. در خزر میانی و جنوبی تغییرات شوری چندان زیاد نیست (همان: ۱۶). اندازه‌گیری‌های صورت‌گرفته از نوسانات تراز آب دریای خزر در ۱۷۰ سال اخیر (دوره ثبت ابزاری تراز آب) مشخص می‌کند بالاترین تراز در حدود ۲۴/۸۰- و کمتر آن ۲۸/۵۵- متر در میانگین سالانه کل خزر است (قانع‌مرمه و ملک، ۱۳۹۰: ۱۴). این موارد در نمودار ۱ مشاهده می‌شود.



نمودار ۱. تراز آب دریای خزر بین سال‌های ۱۸۳۰ تا ۲۰۰۰

منبع: <http://projects.inweh.unu.edu>

یافته‌های پژوهش

کنوانسیون ۱۹۸۲ نسبت به کنوانسیون پیشین (۱۹۵۸) مزیت‌های زیادی دارد و در تدوین آن سعی شد مشکلات حقوقی کنوانسیون ۱۹۵۸ برطرف شود، اما به نظر می‌رسد در برخی موارد کاستی‌های زیادی دارد. از جمله این نواقص موضوع دریاهای بسته و نیمه‌بسته است که فقط در دو ماده (۱۲۲ و ۱۲۳) به‌طور مبهم به آن اشاره شده است (کریستوفر، ۱۳۷۷: ۱۳۸). همچنین بررسی اسناد تلخیص‌شده سومین اجلاس کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها نشان می‌دهد هدف از تدوین مواد ۱۲۲ و ۱۲۳ محدود کردن کاربرد کنوانسیون به دریاهای معین نبوده است، بلکه به منظور شناسایی شکل‌های مشخص دریاها صورت گرفته است. در جدول ۴، توصیف مناطق دریایی خزر مطابق با کنوانسیون ۱۹۸۲ و پدیده‌های ژئومورفولوژیکی مرتبط با این مناطق نشان داده می‌شود.

جدول ۴. مناطق دریایی خزر و پدیده‌های ژئومورفولوژیکی مطابق با کنوانسیون ۱۹۸۲

نام کشور	موقعیت جغرافیایی	پدیده‌های مؤثر ژئومورفولوژیکی	بند مواد	مواد کنوانسیون	مناطق دریایی
قزاقستان، روسیه، آذربایجان و ترکمنستان	سواحل شمالی و شرقی و غربی	خور، دلتا، جزایر، بریدگی‌های ساحلی، برآمدگی‌های جزری شیب ساحل، عمق ساحل، شکل	۱ و ۲	۸	آب‌های داخلی
قزاقستان، روسیه، آذربایجان و ترکمنستان	سواحل شمالی و شرقی و غربی	ساحل، خور، دلتا، جزایر، بریدگی‌های ساحلی، برآمدگی‌های جزری، سطح تراز، جزر و مد	۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ (۵)	۱۴، ۷، ۵	خط مبدأ
قزاقستان، روسیه، آذربایجان و ترکمنستان	سواحل شمالی، غربی و شرقی	شکل و نوع خط مبدأ	-	۱۵	دریای سرزمینی
قزاقستان، روسیه، آذربایجان و ترکمنستان	سواحل شمالی، غربی و شرقی	شکل و نوع خط مبدأ، شکل قرارگیری ساحل	۱ (الف و ب) و ۲	۳۳	منطقه نظارت
قزاقستان، روسیه، آذربایجان و ترکمنستان	سواحل شمالی، غربی و شرقی	شکل و نوع خط مبدأ، شکل قرارگیری ساحل، وسعت دریا	۱ و ۲ و ۳ و ۴	۷۴	منطقه انحصاری اقتصادی

منبع: رایین چرچیل و آلن لو (۱۳۹۰: ۱۳۴)، پورنوری و حبیبی (۱۳۸۶: ۳۵-۳۸)، کنوانسیون حقوق دریاها (۱۳۸۲: ۲۳-۲۵)

بنابراین، کشورهای اطراف خزر از نظر برخورداری از پدیده‌های ژئومورفولوژیکی ساحلی، شرایط متفاوتی دارند. کشورهای سواحل شمالی به دلیل عمق کم آب و شیب کم ساحل، انواع پدیده‌های ژئومورفولوژیکی ساحلی را دارند.

کشورهای سواحل شرقی نیز شرایطی تقریباً مساوی کشورهای سواحل شمالی دارند. سواحل غربی به دلیل عمق بیشتر آب و شیب بیشتر ساحل نسبت به سواحل شمالی و شرقی شرایط تقریباً نامناسبی دارند. ایران کشور واقع در سواحل جنوبی به دلیل عمق زیاد آب و شیب زیاد ساحل، کمترین میزان پدیده‌های ژئومورفولوژیکی ساحلی را دارد. با توجه به نقش این پدیده‌ها در تعیین قلمروهای دریایی قزاقستان بیشترین استفاده را می‌برد و کشورهای روسیه، ترکمنستان و آذربایجان در رتبه‌های بعدی جای می‌گیرند. ایران نیز علاوه بر کمبود پدیده‌های ژئومورفولوژیکی ساحلی، شکل ساحلی آن نامناسب (مقربودن) است و از سوی سواحل کشورهای آذربایجان و ترکمنستان محدود شده است. توزیع نامناسب پدیده‌های ژئومورفولوژیکی ساحلی در بین کشورهای حوزه دریای خزر در صورت اعمال مفاد کنوانسیون ۱۹۸۲ موجب می‌شود قلمروهای دریایی کشورها به صورت کاملاً نابرابر توزیع شود. این امر سبب نارضایتی و اعتراض کشورهای دیگر به ویژه ایران می‌شود؛ بنابراین، شرایط ژئومورفولوژیکی دریای خزر ممکن است بر رژیم حقوقی دریای خزر تأثیر بگذارد.

تأثیر شرایط ژئومورفولوژیکی دریای خزر بر استقرار رژیم حقوقی

شرایط ژئومورفولوژیکی دریای خزر ممکن است بر تعیین مرز دریایی و همچنین سهم بیشتر هر یک از کشورهای ساحلی در دستیابی به مناطق دریایی تأثیرگذار باشد. پدیده‌های ژئومورفولوژیکی مورد مطالعه شامل برآمدگی‌های جزری، فلات قاره، جزایر، دهانه رودها، شکل ساحل و بنادر و لنگرگاه‌های طبیعی است. این عوامل براساس کنوانسیون ۱۹۸۲ در تعیین خط مبدأ و همچنین تعیین مناطق دریایی کشورهای ساحلی مهم‌ترین نقش را دارند؛ بنابراین، عوامل مزبور در صورت اعمال کنوانسیون ۱۹۸۲ نقش عمده‌ای در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر ایفا می‌کنند. همچنین شکل بستر، شیب بستر و نوع رسوبات نیز در توزیع و پراکندگی منابع دریایی و بهره‌برداری از آن مؤثر است. آگاهی از وجود منابع، موجب افزایش قدرت چانه‌زنی کشورها و عدم توافقات اولیه می‌شود که این موضوع روند استقرار رژیم حقوقی را دچار چالش می‌کند. در ادامه، خلاصه‌ای از جزئیات بندهای مواد کنوانسیون مربوط به پدیده‌های ژئومورفولوژی تشریح می‌شود.

۱. برآمدگی‌های جزری

جدول ۵ بندهای مربوط به این پدیده را در کنوانسیون تشریح می‌کند. در دریای خزر برآمدگی‌های جزری بیشتر در سواحل شمالی و شرقی و غربی آن وجود دارد. عمق کم آب، شیب بستر، توپوگرافی سواحل و پدیده‌های جوی در کشورهای قزاقستان، روسیه و ترکمنستان سبب بالآمدن صخره‌های زیرآبی به ویژه در هنگام جزر می‌شود. هر چند در دریای خزر پدیده جزر و مد مانند سایر دریاها تشکیل نمی‌شود، تغییرات تراز آب دریا ناشی از پدیده مد طوفان و جزر ناشی از آن، در کل دریا قابل مشاهده است. بیشترین مقدار جزر در آب‌های کم عمق شمالی (جزر ۱- ۲/۵ متر) رخ می‌دهد. تغییرات تراز آب در سواحل غربی ۶۰- ۷۰ سانتی‌متر و در سواحل شرقی ۳۰- ۴۰ سانتی‌متر است. در خزر میانی و جنوبی تغییرات تراز آب در اثر این پدیده بسیار کم است (کاسارف، ۱۳۹۰: ۱۷).

یکی از اشکالات وارده به ماده ۱۱۳ کنوانسیون و مواد نظیر آن در مورد پدیده جزر و مد، عدم طبقه‌بندی و تفکیک آن است. به نظر می‌رسد منظور کنوانسیون از این پدیده، بالارفتن و پایین رفتن سطح آب بر اثر نیروی جاذبه ماه باشد. در صورتی که در بیشتر دریاها به ویژه آن‌هایی که به دلایلی خارج از محدوده نیروی جاذبه ماه قرار دارند، عوامل دیگری نظیر بادهای شدید منجر به بالا و پایین رفتن سطح آب می‌شود که به نظر می‌رسد این قاعده طبیعی در دستور کار کنوانسیون قرار نگرفته است.

جدول ۵. مواد مربوط به برآمدگی‌های جزری

ماده	بند	توضیحات	تأثیرپذیری کشورهای ساحلی خزر از ماده مربوطه
۱۳	۱	برآمدگی‌های یک منطقه، خشکی طبیعی است که در هنگام جزر آب، در محاصره و در بالای آب قرار می‌گیرد، اما در موقع مد آب به زیر آب فرو می‌رود. در جایی که تمام یا بخشی از برآمدگی جزری در فاصله‌ای قرار دارد که از عرض دریای سرزمینی کشور اصلی یا یک جزیره تجاوز نمی‌کند، می‌توان پایین‌ترین خط جزر آب واقع در آن برآمدگی را به‌عنوان خط مبدأ اندازه‌گیری عرض دریای سرزمینی استفاده کرد.	در صورتی که برای تحدید و تعیین خط مبدأ در دریای خزر از این بند استفاده شود، کشورهای قزاقستان، روسیه، ترکمنستان و آذربایجان به‌ترتیب بیشترین نفع را می‌برند و ایران هیچ امتیازی ندارد؛ بنابراین، ایران می‌تواند مخالف اعمال آن باشد.
۱۳	۲	در جایی که تمام برآمدگی‌های جزری در فاصله‌ای قرار گرفته‌اند که از عرض دریای سرزمینی کشور اصلی یا یک جزیره تجاوز می‌کند، آن برآمدگی برای خود دریای سرزمینی ندارد.	براساس این بند هر چند وجود دریای سرزمینی از برآمدگی‌های جزری سلب شده است، در مالکیت و حاکمیت کشور ساحلی قرار می‌گیرد و کشور مزبور می‌تواند از آن‌ها برای ایجاد پایگاه‌های نظامی، تأسیسات دریایی، مناطق جذب گردشگر و... استفاده کند و به نفع ایران نیست.

۲. فلات قاره

جدول ۶ بندهای مربوط به این پدیده را در کنوانسیون تشریح می‌کند. با توجه به اینکه عمق دریای خزر از شمال به جنوب افزایش یافته است و در نتیجه شیب عمومی بستر آن به سوی ایران است؛ بنابراین، فلات قاره در بخش شمالی وسیع و در سواحل غربی باریک و میانگین عرض آن ۴۰ کیلومتر است. در سواحل جنوبی باز هم باریک‌تر می‌شود، به‌گونه‌ای که در عمق ۴۰۰ متری به ۵-۱۰ کیلومتر می‌رسد و در سواحل شرقی وسیع است و به‌طور متوسط حدود ۱۳۰ کیلومتر است. وسعت فلات قاره در سواحل ایران بسیار کم است. در مجموع، فلات قاره دریای خزر به‌طور متوسط با عمق حدود ۱۰۰ متر محدود می‌شود (کاسارف، ۱۳۹۰: ۱۷).

جدول ۶. مواد مربوط به فلات قاره

ماده	بند	توضیحات	تأثیرپذیری کشورهای ساحلی خزر از ماده مربوطه
۷۶	---	فلات قاره تداوم طبیعی سرزمین اصلی دولت ساحلی است که از حد خارجی دریای سرزمینی شروع می‌شود و به حد خارجی حاشیه قاره ختم می‌شود و در صورتی که حد خارجی حاشیه قاره ۲۰۰ مایل از خط مبدأ کمتر باشد، حد خارجی فلات قاره ۲۰۰ مایل است. در هر حال، حد خارجی فلات قاره از ۳۵۰ مایل فراتر نمی‌رود و همچنین فلات قاره نباید از ۱۰۰ مایل دریایی بعد از محلی که عمق آن ۲۵۰۰ متر است، بیشتر شود.	فلات قاره در دریای خزر به‌شکل مساوی توزیع نشده است و سواحل کشورهای قزاقستان و روسیه و ترکمنستان بیشترین وسعت و سواحل کشور آذربایجان وسعت تقریباً مناسب را دارد. سواحل ایران کمترین وسعت فلات قاره را دارد. پس ایران و تا حدود کمی آذربایجان ممکن است مخالف باشد.
۷۷	۱	کشور ساحلی برای اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی فلات قاره حق حاکمیت دارد.	به‌جز ایران بقیه کشورهای موافق‌اند.
۸۱	---	کشور ساحلی حق انحصاری دارد که اجازه حفاری در فلات قاره را برای هر هدفی صادر و تنظیم کند.	کشورهای، قزاقستان، روسیه، ترکمنستان و آذربایجان موافق و ایران مخالف آن است.
۸۳	۱	برای دستیابی به یک راه‌حل منصفانه، حدود فلات قاره بین کشورهای دارای سواحل مقابل یا مجاور با توافق و قرارداد براساس حقوق بین‌الملل به‌صورت مذکور در ماده ۳۸ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی دادگستری تعیین می‌شود.	ایران علاوه بر اینکه فلات قاره مناسب ندارد، تنها کشور خزر است که فقط سواحل مجاور را دارد و به‌نظر می‌رسد از موافقان اصلی آن باشد.
	۲	اگر ظرف یک مدت متعارف توافقی حاصل نشود، کشورهای مربوطه به روش‌های مقرر در قسمت ۱۵ این کنوانسیون متوسل می‌شوند.	اجرای بند مزبور که براساس خط میانه است، اگر از اصل انصاف تبعیت نکند به ضرر ایران است.

منبع: کریستوفر (۱۳۷۷: ۱۳۱)، یزدانی (۱۳۸۶: ۱۵۴)

۳. جزایر خزر

جدول ۷ بندهای مربوط به این پدیده را در کنوانسیون تشریح می‌کند. اختلافات بر سر مالکیت جزایر یا بر سر مقام داده شده به جزایر، هنگام ترسیم خط مبدأ بروز می‌کند. طرز تلقی دولت‌ها در استفاده از جزایر برای خط مبدأ تا حد زیادی به فایده بیشتر هریک از آن‌ها بستگی دارد. براساس مفاد این کنوانسیون، قزاقستان که بیشترین جزایر دریای خزر را در اختیار دارد، مواهب بیشتری در تعیین رژیم حقوقی دارد و کشورهای روسیه و آذربایجان و ترکمنستان در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

جدول ۷. مواد مربوط به جزایر در کنوانسیون ۱۹۸۲

ماده	بند	توضیحات	تأثیرپذیری کشورهای ساحلی خزر از ماده مربوطه
۶	---	در مورد جزایر مرجانی یا جزایری که از یک رشته صخره تشکیل شده‌اند، خط مبدأ اندازه‌گیری وسعت دریای سرزمینی خط پایین‌ترین جزر صخره به طرف دریاست که از طریق نمودار و علامت‌های مناسب روی نقشه‌های رسمی دولت ساحلی نشان داده شده‌اند.	به جز در نقشه‌های رسمی کشور ایران، جزایر و صخره‌ها در نقشه‌های رسمی کشورهای قزاقستان، روسیه، آذربایجان و ترکمنستان وجود دارد.
۱۲۱	۱	جزیره یک منطقه است که به‌طور طبیعی در زمین شکل گرفته است و از طریق آب محاصره می‌شود و هنگام مد آب، بالای آب قرار می‌گیرد.	این پدیده به‌جز در سواحل ایران، شامل سواحل تمامی کشورهای حوزه خزر می‌شود.
	۲	دریای سرزمینی، منطقه مجاور، منطقه اقتصادی انحصاری و فلات قاره یک جزیره مطابق با مقررات این کنوانسیون که بر قلمروهای دیگر یک کشور قابل اعمال است، تعیین می‌شوند.	به نظر می‌رسد فقط ایران به دلیل نداشتن جزیره در دریای خزر با اعمال بند مزبور مخالف باشد.
	۳	صخره‌هایی که قابل سکونت بشر نیستند یا زندگی اقتصادی خود را تأمین نمی‌کنند، هیچ منطقه انحصاری یا فلات قاره ندارند.	البته این صخره‌ها دریای سرزمینی دارند و به جز ایران که این صخره‌ها را ندارد، شامل بقیه کشورهای ساحلی خزر می‌شود.

۴. شکل ساحل

در جدول ۸، بندهای مربوط به این پدیده در کنوانسیون تشریح می‌شود. قزاقستان بیشترین بریدگی‌های ساحلی را در خزر در اختیار دارد و کشورهای روسیه و آذربایجان در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند و سواحل کشور ترکمنستان نیز تا حد زیادی از طریق سواحل کم عمق تپه‌های چلکن و شبه‌جزیره ترکمن‌باشی به صورت بریدگی‌های ساحلی درآمده است. در نتیجه، شرایط مناسب‌تری نسبت به ایران دارد که سواحل صاف و بدون بریدگی دارد. آذربایجان نیز از دوران شوروی سابق تأسیساتی در دریای خزر داشته است و حتی سایر جمهوری‌های سابق شوروی اطراف دریای خزر در سواحل آن تأسیساتی را ایجاد کرده‌اند. به دنبال فروپاشی شوروی و اضمحلال آن ایران می‌توانست تأسیسات و سازه‌های دریایی در خزر داشته باشد، اما به دلیل عمق زیاد سواحل و همچنین عمق زیاد منابع نفتی و گازی، ساخت این گونه تأسیسات مقرون به صرفه به نظر نمی‌رسید.

کشورهای حوزه خزر از نظر موقعیت جغرافیایی نسبت به یکدیگر به شکل سواحل مجاور یا مقابل قرار دارند. مرزهای مجاور، دریای سرزمینی، فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی کشورهای همسایه را از یکدیگر جدا می‌کنند. مرزهای مقابل در دریاهایی ترسیم می‌شود که عرض آن‌ها کمتر از ۴۰۰ مایل دریایی است. در دریای خزر به دلیل اینکه عرض دریا کمتر از ۴۰۰ مایل دریایی است، دولت‌های مقابل باید آماده حل مرزهای مقابل خود از طریق خط میانه باشند، ولی آن‌ها اجباری در این کار ندارند، زیرا در حقوق بین‌الملل موجود و معاهده ۱۹۸۲، دولت‌ها مجازند برای حل منصفانه مسائل مرزی پس از بررسی تمام امکانات و شرایط مربوط، مناسب‌ترین راه حل را انتخاب کنند.

جدول ۸. مواد مربوط به شکل سواحل خزر در کنوانسیون ۱۹۸۲

ماده	بند	توضیحات	تأثیرپذیری کشورهای ساحلی خزر از ماده مربوطه
۷	۱	در محلهایی که خط ساحل فرورفتگی و بریدگی عمیق دارد یا رشته‌ای از جزایر در نزدیکی ساحل قرار دارند، برای ترسیم خط مبدأیی که عرض دریای سرزمینی از آن اندازه‌گیری می‌شود می‌توان از خطوط مبدأ مستقیم استفاده کرد که نقاط مناسب را به هم وصل می‌کند.	کشورهای قزاقستان، روسیه، آذربایجان و ترکمنستان به ترتیب بیشترین بریدگی‌های ساحلی را دارند. ایران دارای کمترین بریدگی ساحلی است، پس به نظر می‌رسد مخالف اجرای آن باشد.
	۲	در جایی که به دلیل وجود دلتا و سایر شرایط طبیعی، خط ساحلی بسیار متغیر است، می‌توان در دورترین نقطه خط پایین‌ترین جزر به طرف دریا نقاط مناسب را انتخاب کرد.	کشورهای روسیه، قزاقستان، آذربایجان به ترتیب بیشترین دلتا را دارند. ایران دلتاهای کم دارد و ترکمنستان دلتا ندارد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد این دو کشور مخالف اجرای آن باشند.
	۳	ترسیم خطوط مستقیم نباید به مقدار شایان توجه از سمت عمومی جغرافیایی ساحل انحراف پیدا کند و مناطق دریایی واقع در بین این خطوط باید به قلمرو خشکی متصل باشند که تابع رژیم آب‌های داخلی است.	در اجرای این بند فقط ایران به دلیل داشتن سواحل مقعر بیشترین ضرر را متحمل می‌شود و به نظر می‌رسد مخالف آن باشد.
	۴	خطوط مبدأ مستقیم از برآمدگی‌های جزری ترسیم نمی‌شوند، مگر اینکه برج‌های فانوس دریایی یا تأسیسات مشابهی که به‌طور دائم بالای سطح دریا هستند، روی آن‌ها ساخته شده باشند و در مواردی ترسیم خطوط مبدأ از این برآمدگی‌ها رسمیت عمومی بین‌المللی پیدا کرده باشد.	از آنجاکه برآمدگی‌های جزری فقط در سواحل ایران وجود ندارد، به نظر می‌رسد ایران تنها کشور مخالف آن باشد. کشورهای قزاقستان، روسیه، ترکمنستان از موافقان اصلی آن هستند.
	۵	در جایی که خطوط مبدأ مستقیم طبق بند ۱ ترسیم می‌شوند، برای تعیین خطوط مبدأ باید به منافع اقتصادی خاص منطقه مربوطه توجه داشت که واقعیت و اهمیت آن از گذشته به‌وضوح معلوم است.	این بند ممکن است منافع همه کشورهای ساحلی را در برگیرد و به نظر می‌رسد اجرای آن مورد توافق همه کشورهای ساحلی باشد.
۱۵	---	در جایی که سواحل دو کشور مقابل یا مجاور یکدیگرند، هیچ‌یک از آن‌ها حق ندارند در صورت عدم توافق بین آن‌ها به‌شکل دیگر، دریای سرزمینی خود را به خارج از خط میانی امتداد دهد. خط میانی خطی است که هر نقطه آن از نزدیک‌ترین نقطه روی خطوط مبدأیی که عرض دریای سرزمینی هر دو کشور از آنجا اندازه‌گیری می‌شوند، به یک فاصله است. با این حال، اگر به دلیل حقی تاریخی و سایر شرایط ویژه لازم باشد حدود دریاهای سرزمینی دو کشور به نحوی متفاوت با قاعده فوق تعیین شود، قاعده مزبور اعمال نمی‌شود.	کمترین مشکلات بین کشورهای قزاقستان و روسیه است و بیشترین مشکلات بین ایران و کشورهای ترکمنستان و آذربایجان است. کشورهای آذربایجان و ترکمنستان نیز با هم مشکل دارند. پیچیدگی شکل سواحل ایران ایجاب می‌کند که این کشور از قاعده اصل انصاف به‌جای قاعده خط میانه پشتیبانی کند. به نظر می‌رسد بقیه کشورهای با اعمال ماده مذکور راضی باشند.
۷۴	۱	برای دستیابی به یک راه‌حل منصفانه، حدود منطقه انحصاری اقتصادی بین کشورهای دارای سواحل مقابل یا مجاور طبق توافق و قرارداد آن‌ها براساس حقوق بین‌الملل به صورت ذکر شده در ماده ۳۸ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی دادگستری تعیین می‌شود.	هرچند منطقه انحصاری اقتصادی در خزر به دلیل عرض کم دریا ناچیز است، وجود اصطلاح «راه‌حل منصفانه» در این بند مورد قبول بیشتر کشورها به‌ویژه ایران است.
	۳	تا حصول توافق در بند ۱، کشورهای مربوطه با روح تفاهم و همکاری تلاش همه‌جانبه دارند تا ترتیبات موقت قابل اجرا منعقد کنند و در این دوره انتقال رسیدن به توافق نهایی را به مخاطره یا تعویق نیندازند. این ترتیبات موقت به تعیین حدود نهایی خدشه وارد نمی‌کند.	هرچند اعمال این بند ممکن است بخش مهمی از مشکلات رژیم حقوقی خزر را حل کند، به دلیل ترجیح دادن منافع شخصی به‌جای منافع جمعی و دخالت کشورهای برون منطقه‌ای امکان اجرای آن کم است.
	۴	در مواردی که یک قرارداد لازم‌الاجرا بین کشورهای مربوطه وجود دارد، در مورد موضوعات مربوط به تعیین حدود منطقه انحصاری اقتصادی مطابق با مقررات آن قرارداد تصمیم گرفته می‌شود.	به جز کشورهای روسیه و قزاقستان کشورهای دیگر قرارداد دوجانبه‌ای را امضا نکرده‌اند و مشکلات همچنان بین آن‌ها وجود دارد.

۵. خورها

در جدول ۹، بندهای مربوط به این پدیده در کنوانسیون ۱۹۸۲ تشریح می‌شود. ژئومورفولوژی ساحلی دریای خزر

به‌گونه‌ای است که سواحل شمالی و شرقی آن بیشترین خورها و خلیج‌ها را دارند و در صورت تعیین خط مبدأ براساس کنوانسیون ۱۹۸۲ موقعیت سواحل شمالی و شرقی آن نسبت به سواحل غربی و به‌ویژه جنوبی بهتر می‌شود و بخش‌های زیادی از پهنه دریای خزر در اختیار کشورهای قزاقستان، روسیه و حتی ترکمنستان قرار می‌گیرد، زیرا کشورهای قزاقستان، روسیه، ترکمنستان، آذربایجان و ایران براساس موقعیت خود به‌ترتیب بیشترین و کمترین تعداد خور و خلیج را دارند (کاسارف، ۱۳۹۰: ۵۶).

جدول ۹. مواد مربوط به خورها در کنوانسیون ۱۹۸۲

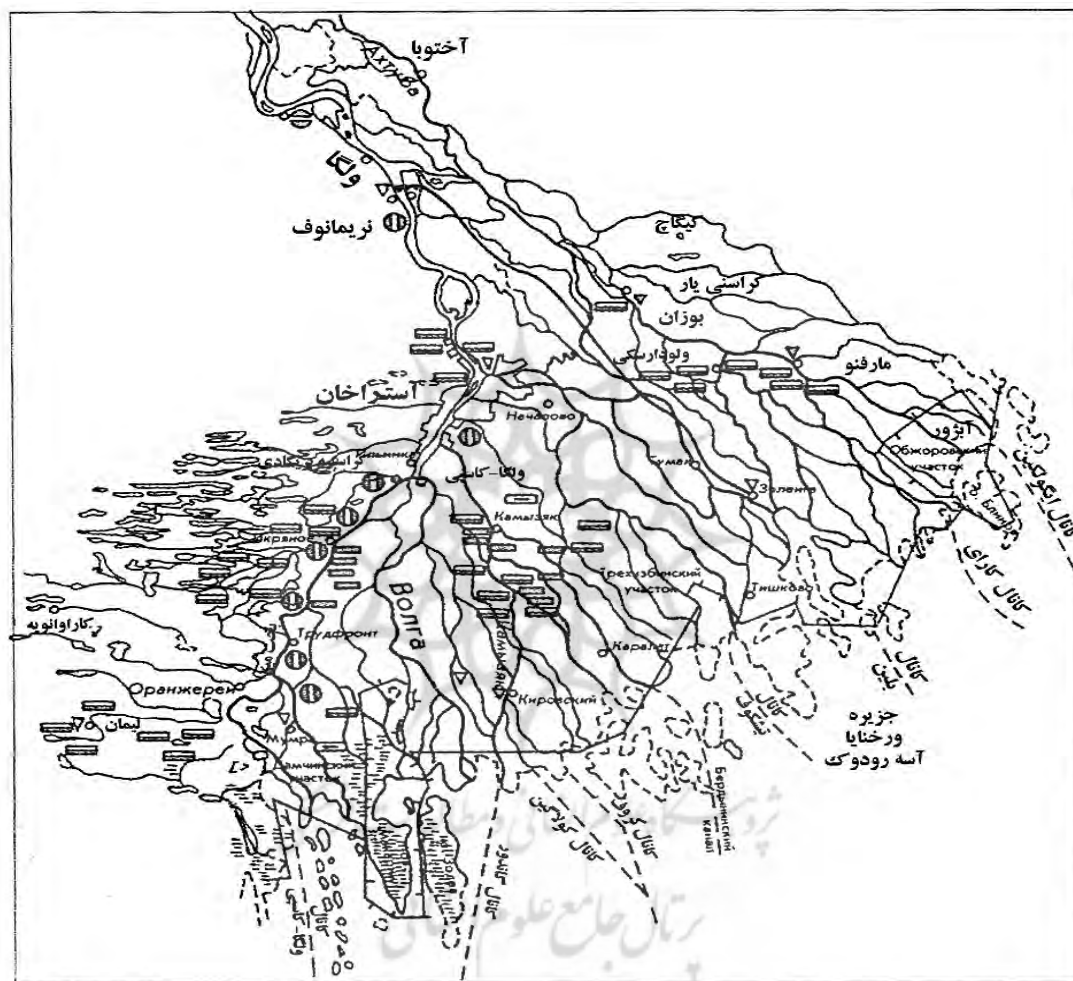
ماده	بند	توضیحات	تأثیرپذیری کشورهای ساحلی خزر از ماده مربوطه
۱۰	۱	این ماده فقط به خورها (خلیج‌های کوچک داخلی) مربوط می‌شود که سواحل آن‌ها متعلق به یک دولت واحد است.	سواحل کشورهای قزاقستان، روسیه و ترکمنستان و آذربایجان از محتویات این ماده برخوردارند.
	۲	برای اهداف این کنوانسیون، خور یک فرورفتگی کاملاً مشخص است که حاوی آب‌های محصور در خشکی می‌شود و چیزی بیش از یک انحنا در ساحل است. با این حال، هر فرورفتگی کاملاً یک خور تلقی نمی‌شود مگر اینکه مساحت آن به بزرگی یا بزرگ‌تر از نیم‌دایره خطی باشد که در طول دهانه آن فرورفتگی کشیده می‌شود.	بریدگی‌های و فرورفتگی‌های زیادی در سواحل کشورهای قزاقستان، روسیه و ترکمنستان وجود دارد که بیشتر آن‌ها شرایط مندرج در این بند را دارند. سواحل آذربایجان به نسبت کمتر است ولی تعداد فرورفتگی‌ها در سواحل ایران کم است.
	۳	مساحت یک فرورفتگی محدوده‌ای است بین خط پایین‌ترین جزر اطراف ساحل فرورفتگی و خطی که خطوط پایین‌ترین جزر نقاط ورودی طبیعی فرورفتگی را به هم وصل می‌کند. در جایی که به دلیل وجود جزایر، فرورفتگی بیش از یک دهانه دارد، نیم‌دایره‌ای به قطر مجموع طول‌های خطوط اطراف دهانه مختلف فرورفتگی ترسیم می‌شود. جزایر داخل یک فرورفتگی جزئی از آن محسوب می‌شود مثل اینکه بخشی از محدوده آبی فرورفتگی باشد.	علاوه بر وجود فرورفتگی در سواحل شمالی و شرقی، وجود پدیده جزر و مد در آن‌ها نیز بیشتر از سواحل جنوبی است؛ بنابراین، وقوع پدیده جزر در دهانه این فرورفتگی و پدیدار شدن صخره‌های زیر آبی شرایط مناسبی را برای تعیین خط مبدأ فراهم می‌کند. به نظر می‌رسد ایران به دلیل نداشتن فرورفتگی‌های ساحلی با اعمال آن مخالف باشد.
	۴	اگر فاصله خطوط پایین‌ترین جزر نقاط ورودی طبیعی یک خور از ۲۴ مایل دریایی بیشتر نباشد، می‌توان یک خط محصورکننده بین این دو خط پایین‌ترین جزر ترسیم کرد و آب‌هایی که به این صورت محصور می‌شود آب‌های داخلی محسوب می‌شود.	اعمال این بند به نفع کشورهای قزاقستان، روسیه، ترکمنستان و حتی آذربایجان است. به نظر می‌رسد ایران مخالف اعمال این بند باشد.
	۵	اگر فاصله بین خطوط پایین‌ترین جزر نقاط ورودی طبیعی یک خور از ۲۴ مایل دریایی تجاوز کند، یک خط مبدأ مستقیم به طول ۲۴ مایل دریایی داخل خور به‌صورتی کشیده می‌شود که تا حد امکان در خطی به آن طول، حداکثر منطقه آبی را دربرگیرد.	به‌نظر می‌رسد اعمال این بند نیز موجب مخالفت ایران می‌شود. کشورهای قزاقستان، روسیه و ترکمنستان به ترتیب بیش از سایر کشورها از اعمال آن نفع می‌برند.

۶. دهانه رودها

جدول ۱۰ بندهای مربوط به این پدیده را در کنوانسیون شرح می‌دهد. در بخش جنوبی خزر، هرچند تعداد رودهایی که از ایران به آن وارد می‌شوند زیاد به نظر می‌رسد، به دلیل عمق زیاد سواحل و بده (دبی آب) پایین بیشتر رودها، دهانه مناسبی ندارند. به عبارت دیگر، دهانه رودها در ساحل دریا محو می‌شود. به این ترتیب، ایران با وجود رودهای فراوان با کشور ترکمنستان - که تقریباً جریان رودخانه‌های منتهی به خزر ندارد - شرایط برابری دارد. طول دهانه رودهای سواحل شمالی به‌ویژه ولگا (نقشه ۲) به مراتب بیشتر از تمام رودهای منتهی به خزر است و در صورت تعیین خط مبدأ مستقیم بخش زیادی از گستره دریای خزر در محدوده آب‌های داخلی روسیه قرار می‌گیرد. سواحل شرقی دریای خزر در صورت داشتن رود از مواهب آن در هنگام ترسیم خط مبدأ بهره‌مند می‌شد. برخلاف سواحل کم‌عمق این بخش از دریای خزر که شرایط مناسبی را برای ترکمنستان ایجاد کرده است، نبود رود به دلیل خشکی هوا و بیابانی بودن ضعف آن محسوب می‌شود.

جدول ۱۰. مواد مربوط به دهانه رودها

ماده	بند	توضیحات	تأثیرپذیری کشورهای ساحلی خزر از ماده مربوطه
۹	---	اگر رودخانه‌ای به‌طور مستقیم به دریا بریزد، خط مبدأ آن خط مستقیمی است که در طول دهانه رودخانه بین نقاط واقع بر خط پایین‌ترین جزر سواحل رودخانه ترسیم می‌شود.	کشورهای روسیه و قزاقستان بهترین شرایط را به دلیل عمق کم و پیشروی رود به دریا دارند. آذربایجان و ایران در رتبه‌های بعدی هستند. ترکمنستان به دلیل نداشتن رود قابل‌ملاحظه شرایط نامناسبی دارد. به نظر می‌رسد ترکمنستان از مخالفان اصلی اعمال آن باشد.



نقشه ۲. دلتای ولگا

منبع: کاسارف (۱۳۹۰: ۱۲۳)

۷. بنادر و لنگرگاه‌های طبیعی

جدول ۱۱ بندهای مربوط به این پدیده را در کنوانسیون تشریح می‌کند. در سال‌های اخیر، ساخت بنادر جدید و تجهیز و گسترش بنادر قدیمی در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته است؛ به‌طوری‌که کشورهای حوزه دریای خزر سرمایه‌گذاری‌های زیادی در این بخش انجام می‌دهند. علاوه بر مسائل حمل‌ونقل دریایی و بهره‌برداری اقتصادی از بنادر و تأسیسات دریایی، گسترش قلمرو دریایی تا قبل از استقرار رژیم حقوقی در خزر مد نظر دولت‌های ساحلی آن است. ساخت جزایر مصنوعی از سوی آذربایجان در دریای خزر در سال‌های اخیر و گسترش تأسیسات دریایی آن کشور با در نظر گرفتن ماده ۱۱ کنوانسیون است. ترکمنستان که از سیاست بی‌طرفی پیروی می‌کند، در این زمینه می‌کوشد از کشور ساحل مقابل خود عقب نیفتد؛ بنابراین، احداث جزایر مصنوعی را در دستور کار خود قرار داده است تا در هنگام ترسیم خطوط مبدأ مانع

پیشروی آذربایجان و دستیابی آن کشور به منابع نفتی و گازی مورد اختلاف شود. ایران هرچند به‌منظور گسترش بنادر شمالی و احداث بنادر جدید اقداماتی انجام می‌دهد، ساخت تأسیسات دریایی در سواحل ایران به‌دلیل عمق زیاد ساحل و همچنین نبود سرمایه‌گذاری مناسب دولت در بخش گردشگری روند رو به رشدی دارد.

در کشورهای قزاقستان، روسیه، ترکمنستان و تا حدودی آذربایجان، وجود بریدگی‌های ساحلی به‌صورت خلیج‌ها و خورهای تقریباً عمیق، شرایط استفاده از آن‌ها را فراهم کرده است. پهلوگرفتن کشتی‌های کوچک به‌ویژه کشتی‌های ماهیگیری برخی از این مناطق را به بنادر پرتراپیکی تبدیل کرده است. برخلاف وجود این‌گونه لنگرگاه‌های طبیعی در کشورهای مزبور، تعداد این مکان‌ها در سواحل ایران به‌دلیل نبود خورها و خلیج‌های عمیق، تقریباً کم است. شرایط آذربایجان نسبت به ایران بهتر است. وجود بریدگی‌های ساحلی عمیق در برخی از سواحل آذربایجان، لنگرگاه‌های مناسبی را برای ماهیگیران محلی فراهم کرده است.

تجزیه و تحلیل

در این پژوهش، تجزیه و تحلیل بر مبنای یافته‌های تحقیق و عوامل ژئومورفولوژیکی مؤثر بر استقرار رژیم حقوقی دریای خزر و فاکتورهای مهم و اثربخش در این حوزه صورت گرفته است. برخورداری برخی از کشورها از شرایط مناسب ژئومورفولوژیکی و نامساعدبودن شرایط برای برخی دیگر، موجب تعارض منابع آن‌ها در پهنه خزر می‌شود. رابطه مناطق دریایی تعریف‌شده در کنوانسیون ۱۹۸۲، با استقرار رژیم حقوقی دریای خزر در جدول ۱۲ نشان داده می‌شود.

جدول ۱۱. مواد مربوط به بنادر و لنگرگاه‌های طبیعی

ماده	بند	توضیحات	تأثیرپذیری کشورهای ساحلی خزر از ماده مربوطه
۱۲	---	لنگرگاه‌های طبیعی که معمولاً برای بارگیری، تخلیه و لنگرانداختن کشتی‌ها استفاده می‌شوند و در غیر این صورت تمام یا بخشی از آن‌ها خارج از محدوده بیرونی دریای سرزمینی قرار می‌گیرد، جزء دریای سرزمینی محسوب می‌شوند.	به نظر می‌رسد وجود لنگرگاه‌های طبیعی در کشورهای قزاقستان، روسیه، ترکمنستان و تا حدودی آذربایجان موجب رضایت آن‌ها با اعمال بند مزبور می‌شود و مخالفت ایران را در پی دارد.
۱۱	---	تأسیسات واقع در دریا و جزایر مصنوعی تأسیسات دائمی بندری محسوب می‌شود. به‌منظور تعیین حدود دریای سرزمینی، دورترین تأسیسات دائمی بندری که جزء جدایی‌ناپذیر مجموعه بندر محسوب می‌شوند، بخشی از ساحل قلمداد می‌شوند.	عمق کم سواحل، وجود منابع نفت و گاز و سرمایه‌گذاری دولت در این بخش، در کشورهای قزاقستان، روسیه، آذربایجان و ترکمنستان شرایط مناسبی را برای اعمال بند مذکور فراهم کرده است، در صورتی که به نظر می‌رسد ایران مخالف اعمال آن باشد.

جدول ۱۲. نقش مناطق دریایی مطابق با کنوانسیون ۱۹۸۲، در استقرار رژیم حقوقی دریای خزر

مناطق دریایی	نقش در رژیم حقوقی
آب‌های داخلی	تعیین خط مبدأ و وسعت مناطق دریایی
خط مبدأ	وسعت آب‌های داخلی، حق حاکمیت (انحصاری) در اکتشاف و بهره‌برداری، وسعت مناطق دریایی، دسترسی به منابع بیشتر
دریای سرزمینی	حق حاکمیت (انحصاری) در اکتشاف و بهره‌برداری، وسعت مناطق دریایی، دسترسی به منابع بیشتر
منطقه نظارت	جلوگیری از نقض قوانین و مقررات گمرکی، مالی، بهداشتی یا مهاجرت و مجازات متخلفان
منطقه انحصاری اقتصادی	حق اکتشاف و بهره‌برداری، وسعت مناطق دریایی، دسترسی به منابع بیشتر

از جمله پیامدهای مهم عوامل ژئومورفولوژیکی، اختلاف در مورد مالکیت جزایر یا مقام داده‌شده به جزایر هنگام ترسیم خط مبدأ است. فقط ایران به‌علت نداشتن جزیره از هیچ موهبتی در تعیین رژیم حقوقی بهره‌مند نمی‌شود. این امر به شیب و عمق سواحل دریای خزر برمی‌گردد که از شمال به جنوب افزایش می‌یابد. کاهش سطح تراز آب موجب شد تنها جزیره ایرانی ساحل خزر یعنی جزیره آشوراده به شبه‌جزیره تبدیل شود، درحالی‌که در سواحل شمالی، پایین‌آمدن سطح آب موجب بالا آمدن صخره‌های زیر آبی به شکل جزایری در سواحل کم‌عمق کشورهای قزاقستان و روسیه شد.

بریدگی‌های ساحلی زیادی در کشورهای قزاقستان، روسیه و ترکمنستان وجود دارد و در مجموع شرایط مناسب ساحلی این کشورها بخش عمده‌ای از آب‌های خزر را در زمره آب‌های داخلی آن‌ها قرار می‌دهد. فراتر اینکه براساس این کنوانسیون آب‌های داخلی جزء سرزمین کشور ساحلی محسوب می‌شود و کشورهای دیگر هیچ‌گونه حقی در مورد آن ندارند. بعد از کشورهای مذکور، آذربایجان شرایط به مراتب بهتری نسبت به ایران دارد. کشورهای قزاقستان، روسیه، ترکمنستان، آذربایجان و ایران براساس موقعیت خود به ترتیب بیشترین و کمترین تعداد خور و خلیج را دارند. در مورد رودهای سواحل شمالی نیز باید گفت طول دهانه ولگا به مراتب بیشتر از تمام رودهای منتهی به خزر است و در صورت تعیین خط مبدأ مستقیم، بخش شایان توجهی از گستره دریای خزر در محدوده آب‌های داخلی روسیه قرار می‌گیرد. تأثیر شرایط ژئومورفولوژیکی بر مناطق ساحلی و استقرار رژیم حقوقی خزر در جدول ۱۳ نشان داده می‌شود.

جدول ۱۳. تأثیر شرایط ژئومورفولوژیکی بر مناطق ساحلی و استقرار رژیم حقوقی خزر

پدیده‌های ژئومورفولوژیکی	مواد کنوانسیون	سواحل شمالی	سواحل شرقی	سواحل جنوبی	سواحل غربی	تأثیر بر تعیین رژیم حقوقی
برآمدگی‌های جزری	ماده ۱۳ بند ۲	زیاد	زیاد	وجود ندارد	نسبتاً زیاد	به ضرر سواحل جنوبی
فلات قاره	مواد ۷۱، ۷۴، ۷۶، ۸۳، ۸۴	زیاد	زیاد	وجود ندارد	نسبتاً کم	به ضرر سواحل جنوبی و غربی
جزایر	مواد ۶ و ۱۲۱	بسیار زیاد	نسبتاً زیاد	وجود ندارد	زیاد	به ضرر سواحل جنوبی
شکل ساحل	ماده ۷ بندهای ۱ تا ۵ ماده ۱۵	بسیار زیاد	نسبتاً زیاد	وجود ندارد	نسبتاً زیاد	به ضرر سواحل جنوبی
خورها	ماده ۱۰	بسیار زیاد	زیاد	بسیار کم	نسبتاً زیاد	به ضرر سواحل جنوبی
دهانه رودخانه‌ها	ماده ۹	بسیار زیاد	بسیار کم	کم	زیاد	به ضرر سواحل جنوبی و شرقی
لنگرگاه‌های طبیعی	ماده ۱۲	بسیار زیاد	زیاد	بسیار کم	کم	به ضرر سواحل جنوبی و غربی

جدول ۱۴. اقدامات پیشنهادی راهبردی در حوزه ژئومورفولوژی به کشورهای حوزه خزر به منظور تسریع تبیین رژیم حقوقی خزر

کشور	پیشنهادها
ایران	باید به دنبال رژیم حقوقی مبتنی بر انصاف در خزر باشد و کشورهای دیگر را مجاب کند که در تعیین قلمروهای دریایی برای ایران از قاعده ویژه‌ای استفاده کنند که مشکل مقعربودن، صافبودن و کمبود پدیده‌های ژئومورفولوژیکی ساحلی را حل کند. سرمایه‌گذاری دولت در بخش احداث بنادر و جزایر مصنوعی نیز پیشنهادی کاربردی است.
روسیه	روسیه از نظر دسترسی به پدیده‌های ژئومورفولوژیکی ساحلی بعد از قزاقستان در رتبه دوم قرار دارد. وجود این پدیده‌ها موجب گسترش قلمروهای دریایی این کشور می‌شود. ضعف سواحل روسیه عمق کم و یخبندان است. برای استفاده از قلمروهای دریایی بیشتر روسیه باید در تعیین رژیم حقوقی از مشاع‌بودن بخشی از دریا پشتیبانی کند.
قزاقستان	قزاقستان بیشترین پدیده‌های ژئومورفولوژیکی ساحلی را در خزر دارد. این کشور در تعیین رژیم حقوقی بیشترین مناطق دریایی را در اختیار می‌گیرد. ضعف سواحل این کشور مانند روسیه کم‌عمق‌بودن و یخبندان است. این کشور برای استفاده از قلمرو دریایی کشورهای دیگر علاوه بر پشتیبانی از سیستم مشاع باید از اجرای مفاد کنوانسیون ۱۹۸۲ در مورد تعیین مرزهای دریایی حمایت کند.
ترکمنستان	پس از روسیه ترکمنستان در رتبه سوم قرار می‌گیرد. سواحل این کشور تا حدود زیادی از طریق سواحل کم‌عمق تپه‌های چلکن و شبه‌جزیره ترکمن‌باشی به صورت بریدگی‌های ساحلی درآمدده است. در صورت حمایت این کشور از اعمال کنوانسیون ۱۹۸۲ در تعیین رژیم حقوقی قلمرو دریایی آن گسترش می‌یابد و به منابع زیادی در میانه دریای خزر می‌رسد.
آذربایجان	آذربایجان به لحاظ برخورداری از پدیده‌های ژئومورفولوژیکی ساحلی شرایط مناسب‌تری نسبت به ایران دارد و سواحل صاف و بدون بریدگی و عاری از عارضه‌های طبیعی دارد. وجود جزایر متعدد در سواحل این کشور موجب گسترش قلمرو دریایی آن می‌شود. به همین دلیل، این کشور می‌تواند از الگوی کشورهای دیگر به جز ایران مبنی بر اعمال کنوانسیون ۱۹۸۲ در تعیین رژیم حقوقی حمایت کند.

با توجه به نتایج، شرایط ژئومورفولوژیکی مطلوب‌ترین تأثیرات را بر سواحل شمالی و نامطلوب‌ترین حالات را در سواحل جنوبی خزر دارد؛ بنابراین، بیشترین ضرر در بررسی نقش این پدیده‌ها در استقرار رژیم حقوقی خزر شامل ایران

می‌شود. در نتیجه، این دولت به‌منظور بهبودبخشیدن به شرایط موجود و ایجاد منافع بیشتر، باید اقدامات مقتضی و فراخور شرایط منطقه را تا حد ممکن به انجام برساند. جدول ۱۴ برخی اقدامات راهبردی را به کشورهای حوزه خزر در حوزه ژئومورفولوژی پیشنهاد می‌دهد تا تبیین رژیم حقوقی خزر تسریع یابد.

نتیجه‌گیری

یکی از مشکلات مهم دریاهای بسته، مسئله تعیین رژیم حقوقی آن است. نبود قوانین مشخص و صریح برای استقرار رژیم حقوقی این دریاها سبب چالش‌های موجود شده است. رژیم حقوقی همه دریاهای بسته را - به جز دریای کنستانتین و خزر - دولت‌های ساحلی آن‌ها تعیین کرده‌اند. دریای خزر اولاً بزرگ‌ترین دریاچه جهان است؛ بنابراین، تقسیم آن به روش‌های مرسوم در تحدید دریاچه‌های دیگر امکان‌پذیر نیست. ثانیاً این دریا از منابع عظیم نفت و گاز برخوردار است که در سراسر دریا پراکنده است و تقسیم آن نیازمند قوانین کارآمد بین‌المللی است که به جز در کنوانسیون ۱۹۸۲ و کنوانسیون قبلی آن وجود ندارد. به این ترتیب، خزر برخلاف اینکه یک دریای بسته است، مواد مربوط به آن در کنوانسیون ۱۹۸۲ (۱۲۲ و ۱۲۳) به استقرار رژیم حقوقی در آن نمی‌انجامد و در سطح بین‌المللی مجموعه قواعد خاص جداگانه‌ای وجود ندارد که از سوی یک سازمان بین‌المللی مثل سازمان ملل برای دریاهای بسته ایجاد شده باشد. پس به‌ناچار باید از مواد مندرج در کنوانسیون مزبور یا بخش‌هایی از آن در استقرار رژیم حقوقی خزر استفاده کرد. در نتیجه، مهم‌ترین معضل استقرار رژیم حقوقی در دریای خزر، نبود مواد قانونی لازم در کنوانسیون‌های دریایی برای چگونگی تحدید حدود آن است. مشکل اصلی در نپرداختن به این دریا در کنوانسیون‌های مذکور از شرایط جغرافیایی (محصور بودن) آن نشئت می‌گیرد. راهکار اصلی برای حل مشکل تعیین رژیم حقوقی این دریا نیز در عوامل جغرافیایی، به‌ویژه شرایط ژئومورفولوژیکی ریشه دارد. مطابق مواد کنوانسیون ۱۹۸۲، کشورهایی که طول ساحل بیشتری دارند، از نظر شکل ساحل شیب کمتری دارند و از نظر تعداد پدیده‌های ژئومورفولوژیکی ساحلی (خور، خلیج، دلتا، جزایر، صخره‌های زیر آبی، فلات قاره) موقعیت برتری دارند، در تعیین رژیم حقوقی شرایط بسیار مطلوبی برای گسترش مناطق دریایی دارند. در نتیجه، کشورهای قزاقستان، روسیه، ترکمنستان و آذربایجان به ترتیب از بیشترین و کمترین مناطق دریایی بهره‌مند می‌شوند. ایران نیز به دلیل داشتن کمترین طول ساحل، مقعربودن، محدودبودن، عمق زیاد، شیب زیاد و کمترین تعداد پدیده‌های ژئومورفولوژیکی کمترین شانس را در گسترش قلمرو دریایی دارد؛ بنابراین، اعمال مواد کنوانسیون ۱۹۸۲ را نمی‌پذیرد و به‌دنبال راهبردهای مناسب در راستای بهبود وضعیت نامناسب ژئومورفولوژیکی خود است. در نتیجه، اگر همه کشورهای ساحلی دریای خزر در پی تعیین رژیم حقوقی مطلوب باشند، باید راهبرد مناسبی را فراتر از مواد معمول کنوانسیون به‌منظور کاربرد شرایط ژئومورفولوژیکی در استقرار رژیم حقوقی در نظر بگیرند. پس با قاطعیت می‌توان گفت استقرار رژیم حقوقی پایدار در دریای خزر با در نظر گرفتن شرایط ژئومورفولوژیکی براساس کنوانسیون ۱۹۸۲ و بدون تغییرات در نحوه اعمال آن که منافع همه کشورهای ساحلی را دربر داشته باشد، امکان‌پذیر نیست.

سیاسگزاری

در پایان از تمام کسانی که نگارندگان را در نگارش پژوهش حاضر یاری دادند و با نظرهای اصلاحی خود در غنای آن کوشیدند تشکر می‌شود.

منابع

۱. احمدی‌پور، زهرا، ۱۳۷۵، **ضرورت تعیین رژیم حقوقی دریای خزر در پرتو ژئوپولیتیک جدید منطقه**. مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۳، زمستان.
۲. پورنوری، منصور و محمد حبیبی، ۱۳۸۶، **حقوق بین‌الملل دریاها کنوانسیون، مصوب ۱۹۸۲**، چاپ سوم، مهد حقوق، تهران.
۳. پیشگاهی‌فرد، زهرا، ۱۳۸۴، **مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی دریاها با تأکید بر آب‌های ایران**، چاپ اول، دانشگاه تهران.
۴. ت. آ. الکسیوا و لودمیلا. ماریا. ماساویوا ، ۱۳۹۰، **مسائل حفاظتی محیط آبی در مقابل آلودگی نفتی**، ترجمه علی شمسی، مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر، ساری.
۵. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، **اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک**، انتشارات پاپلی، مشهد.
۶. شمسی، علی، ۱۳۸۹، **نگاهی نو به محیط‌زیست دریای خزر**، وزارت نیرو، مؤسسه تحقیقات آب مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر، ساری.
۷. چرچیل، رابین و لو، آلن، ۱۳۹۰، **حقوق بین‌الملل دریاها**، ترجمه بهمن آقایی، چاپ پنجم، کتابخانه گنج دانش، تهران.
۸. قانقرمه، عبدالعظیم و جواد ملک، ۱۳۹۰، **نوسانات آب دریای خزر، در سال آبی، ۱۳۸۹-۱۳۸۸**، وزارت نیرو، مؤسسه تحقیقات آب مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر، ساری.
۹. کاسارف، ایوان، ۱۳۹۰، **آب و هواشناسی دریای خزر**، ترجمه علی شمسی، وزارت نیرو، مؤسسه تحقیقات آب مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر، ساری.
۱۰. یزدانی، مجید، ۱۳۷۵، **رژیم حقوقی حاکم بر دریاهای بسته با نگرشی بر دریای خزر**، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۴، صص ۱۴۵ تا ۱۶۶.
11. Ahmadi Pour, Z., 1995, **Necessity determine the legal regime of the Caspian Sea on the basis of new regional geopolitical**, Geography Research Quarterly, Vol. 2, No. 4 , PP. 27- 42. (In Persian)
12. Pornori, M. & Habibi. M., 2001, **The international law of the sea, the seas convention (ratification in 1982)**, Third Edition, National Institute of Oceanography, Tehran. (In Persian)
13. Pishgahifard, Z., 2006, **Introduction to political geography with emphasis on the waters of the Sea**, 1st Edition, Tehran University. (In Persian)
14. Alexeyeva, T. A. & Masayva, L. D., 2011, **Issues of protection against oil pollution in the water**, Translated by: Shamsi, A., National Center for Research and Studies of the Caspian Sea, Sari. (In Persian)
15. Hafez Nia, M., 2006, **The principles and concepts of geopolitics**, 1st Edition, Publishing Papoli, Mashhad. (In Persian)
16. Robin, C. & Alan Lu., 2011, **The International Law of the Sea**, Translated by: Aghaei, B., 5th Edition, Libraries Ghange Danesh, Tehran. (In Persian)
17. Shamsi, A., 2007, **A new look at the environment of the Caspian Sea**, Ministry of Energy, Water Research Institute of National Center for Research and Studies of the Caspian Sea, Sari. (In Persian)
18. Ghanghormeh, A. & Maleki, J., 2011, **Fluctuations of the Caspian Sea, in water (2009- 2010)**, Ministry of Energy, Water Research Institute of National Center for Research and Studies of the Caspian Sea, Sari. (In Persian)
19. Kasarof, I., 2012, **Climate Caspian Sea**, Translated by: Shamsi, A., Ministry of Energy, Water Research Institute of National Center for Research and Studies of the Caspian Sea, Sari. (In Persian)
20. Yazdani, E., 2007, **Explaining the geopolitical competition of powers, Case Study: Central Eurasian in the new great game**, Geopolitical Quarterly, Vol. 3, No. 3, PP. 38-56. (In Persian)
21. Mojtahed-Zadeh, P. and Hafeznia, M. R., 2003, **Perspectives on the Caspian Sea dilemma: An Iranian construct**, Eurasian Geogr. Econ., Vol. 44, No. 8, PP. 607- 616.

22. Vinogradov, S. and Wouters, P., 1995, **The Caspian Sea: Current legal problems**, Zeitschrift für ausländisches öffentliches Recht und Völkerrecht, Vol. 55, PP. 604- 623.
23. Zimnitskaya, H. and Geldern, J. V., 2011, **Is the Caspian Sea a sea; and why does it matter?**, Journal of Eurasian Studies, Vol. 2, No.1, PP. 1° 14.
24. United Nations,1982, **The Law of the Sea**, Official text of the United Nations Convention on
25. the law of the sea with annexes and index, United Nations, New York, 1983. United Nationspublication, Sales No. E.83.V.5.
26. Janusz, B., 2005, **The Caspian Sea legal status and regime problems**, Russia and Eurasia Programme Rep BP 05/02. Stiftung Wissenschaft und Politik, Berlin, AUGUST.p 76, No. E.83.V.5 p224.
27. Ramazanova, E., 2012, **The Caspian Sea: Legal challenges of delimitation between littoral states**, MA Thesis of Laws in Law of the Sea, University of Tromsø Faculty of Law, PP. 25, 129.
28. [http: www.planetgeography.com](http://www.planetgeography.com) Codrington, Stephen,2006, Planet Geography 3rd Edition Chapter 8
29. <http://www.worldatlas.com/aatlas/infopage/caspiansea.htm>
30. <http://guilan-e-ma.ir>
31. <http://lawstudy.ir>
32. <http://www.inio.ac.ir/Default.aspx?tabid=2007>
33. <http://projects.inweh.unu.edu>
34. www.pajoohe.com

